

## نگاهی به تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع

بین المللی کالا وین ۱۹۸۰

داود سلطانیان<sup>۱</sup>

### چکیده:

کنوانسیون بیع بین المللی در ماده ۵۰، تقلیل ثمن را به عنوان یکی از ضمانت اجراهای نقض تعهد بایع در اختیار خریدار قرار داده است که گاهی ممکن است با نهاد جبران خسارت همپوشی پیدا کند. با اینهمه تقلیل ثمن مزیت های منحصر به فرد خود را دارد و استفاده از آن نیازمند حصول شرایط خاصی می باشد. آنچه در این مقاله می گذرد تبیین جایگاه این شیوه از جبران ضرر در کنوانسیون بیع بین المللی با التفات به نظرات مفسرین و رویه دادگاهی است.

کلید واژه ها: تقلیل ثمن، جبران خسارت، مطابقت مادی کالا، مطابقت حقوقی کالا

امروزه یکی از رایجترین و بدیهیترین عکس العمل‌های خریدار در مقابل نقض تعهد بایع، اعمال حق تقلیل ثمن است. تقلیل ثمن به معنای کاهش عوض، راهکاری شایع در حقوق داخلی کشورهای جهان است و همواره این امتیاز برای خریدار در نظر گرفته شده که از پرداخت کامل ثمن در برابر دریافت ناقص مبیع خودداری کند. توجیه این مسئله در حقوق داخلی اکثر کشورهای جهان، می‌تواند در قالب داراشدن ناعادلانه بایع قرارگیرد؛ زیرا بایع در فرض عدم تقلیل، عوضی را دریافت میکند که در برابر آن معوضی نداده است و این عادلانه نیست. به هر طریق، تقلیل ثمن با هر توجیه و مبنایی، در یکی از جامع‌ترین مقررات جهانی یعنی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب سال ۱۹۸۰ وین پیش‌بینی شده و بدین سان به یکی از عامترین عرفهای جهانی و جبهه‌ای تدوین شده بخشیده شده است. آنچه ما در این مقاله قصد داریم به آن پردازیم، بررسی جایگاه این شیوه از جبران ضرر در کنوانسیون وین است. مطالب ما در شش عنوان کلی ارائه شده و شرایط و جزئیات آن بیان می‌گردد. در این مقاله سعی شده از نظرات مفسرین مختلف کنوانسیون استفاده شود و تمام مطالب مربوطه، هرچند به صورت مختصر ارائه گردد.

## ۱. مفهوم تقلیل ثمن

تقلیل ثمن از ترکیب "تقلیل" و "ثمن" تشکیل شده است و معادل آن در متن کنوانسیون با عبارت "reduction price" آمده است. اگر بخواهیم به صورت واژه‌شناسی این عبارت را بررسی کنیم باید بگوییم که تقلیل در معنای مصدری به مفهوم کاهش و ایجاد نقصان بوده و ثمن نیز قالبی برای معنای عوض مبیع است (جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸). حال باید ارتباط این دو را بررسی کنیم. در واقع ما در این تحقیق به دنبال این هستیم که روشن کنیم چه زمانی می‌توانیم تقلیل را بر ثمن جاری کنیم. کم کردن ثمن شیوه جبرانی عقلی است. این مفهوم، تعبیری جدید نیست بلکه حضور آن در هر ترازویی قابل تصور بوده و هر جنبه از زندگی اجتماعی می‌تواند محل تصور تقلیل عوض باشد. در موضوع بحث ما، تقلیل ثمن در جایگاه معاملات بیع بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ماده

۵۰. خویش، تقلیل ثمن را به عنوان راهکاری برای خریدار پیش بینی کرده و به او اجازه داده تحت شرایطی خاص از ثمن تعیینی بکاهد. به موجب این ماده: «اگر کالا با قرارداد مطابقت نداشته باشد، اعم از اینکه ثمن قبلاً تادیه شده یا نشده باشد، خریدار می تواند به نسبت تفاوت ارزش کالایی که واقعا تسلیم شده در زمان تسلیم و ارزشی که کالای مطابق با قرارداد در روز تسلیم می داشت، ثمن را تقلیل دهد. معهدا، هرگاه فروشنده مطابق اصول ۳۷ یا ۴۸ هر نوع عدم توفیق در ایفای تعهداتش را جبران کند، یا در صورتی که خریدار از قبول انجام تعهد فروشنده که در آن اصول مقرر گردیده امتناع ورزد خریدار نمی تواند ثمن را کاهش دهد.» ما در ادامه، این راهکار را به صورت حقوقی تحلیل کرده و جزئیات آن را روشن می کنیم.

## ۲. تاریخچه

هر چند متون نوشته، در زمانی مشخص، گواهی ورود تقلیل ثمن به عنوان شیوه ای از جبران ضرر را می دهند، اما فراتر از این امر، همین متون ریشه در عاداتی دارند که در تقابل بین رفع نیاز و حفظ مال و به کارگیری عقل و ذکاوت در حیطة تجارت به وجود آمدند. انسان مدنی، از همان ابتدا به دنبال رفع نیاز خود بوده و این امر هسته های اولیه معاملات را شکل داده است. با گسترش ارتباطات، این رفع نیاز از قالب مبادلات پایاپای تا معاملات گسترده و پیچیده امروزی تغییر پیدا کرد؛ اما در واقع در هیچ مرحله ای از تاریخ نبوده که انسان، در ورای امر و اجبار، حفظ منافع خویش را دنبال نکند. کاهش عوض در مقابل معوض معیوب نیز یکی از همین اندیشه های

1. Article 50: If the goods do not conform with the contract and whether or not the price has already been paid, the buyer may reduce the price in the same proportion as the value that the goods actually delivered had at the time of the delivery bears to the value that conforming goods would have had at that time. However, if the seller remedies any failure to perform his obligations in accordance with article 37 or article 48 or if the buyer refuses to accept performance by the seller in accordance with those articles, the buyer may not reduce the price.

ترجمه مواد کنوانسیون در این مقاله برگرفته از کتاب ترجمه تفسیری بر حقوق بیع بین المللی دکتر مهربان داراب پور است.

تجاری قدیمی بوده که عرف تجاری را نیز شکل داده است. هر چند مستنداتی مجزا از این عرف های قدیمی در دست نیست، اما شکل گیری قواعد و اصول اولیه حقوق ملل متمدن، خود بیشتر از هر چیز می تواند گواه بر وجود چنین عاداتی باشد.

به هر طریق از لحاظ متون در دسترس، می توان اولین نگارش ها در زمینه تقلیل ثمن را به حقوق رم نسبت داد. در واقع حق خریدار به کاهش ثمن در مقابل کالای معیوب، از قاعده *actio quanti minoris* در حقوق رم برگرفته شده است. (دکتر مهربان داراب پور، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳) این مقرر به دنبال فرمان ادلس پادشاه رم در مورد عرف فروشندگان حیوانات اهلی در بازارهای شهری ایجاد شد.<sup>۱</sup> این حکم مقرر می نمود: «اگر بعد از ارسال مبیع، خریدار متوجه عیبی و نقصی شود که در زمان قرارداد به آن آگاه نبوده و فرد دستفروش نیز به آن اشاره نکرده، می تواند قرارداد را فسخ یا ثمن را کم کند.»<sup>۲</sup> البته این حکم همچنین مقرر می نمود که اگر این عدم مطابقت در زمان عقد آشکار بوده، نمی توان مشمول این قاعده شود چرا که بنا به ظاهر در همان زمان از ثمن پیشنهادی کم می شود.<sup>۳</sup>

قاعده حقوق رم در حقوق های داخلی هم عصر خود و به تبع آن در حقوق داخلی امروز

1. de Zulueta, *The Roman Law of Sale* 50 (1957). For an account of the evolution and operation of this edict in Roman Law and its role in modern Roman Dutch Law see Honoré, "The History of the Aedilician Actions from Roman to Roman Dutch Law," in Daube, *Studies in the Roman Law of Sale* 132-159 (1959). For an excellent brief overview of the remedy and its impact on the Civil law see Morrow, "Warranty of Quality: A Comparative Survey," 14 *Tul. L. Rev.* 327 and 529 at 354-360 (1940). See also Bernini, "The Uniform Laws on International Sales, The Hague Conventions of 1964," 3 *J. World Trade L.* 689 (1969).

2. The manner in which reduction of the price was calculated under Roman Law is a matter of some controversy. See and contrast the views of Mulligan, "Quanti Minoris Than What?" 70 *So. Af. L.J.* 132 (1953) with those of Honoré, *supra* n.5 at 150-157. However, for the purposes of the present article it is only necessary to note that price reduction was a separate remedy for a specific problem. The Draft Convention supplies a formula for the calculation of the amount of the price reduction.

3 De Zulueta, *supra* n. 5.

کشورها تاثیر گذاشت. برای مثال ماده ۱۶۴۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می کند که: "اگر مبیع دارای عیوب پنهانی باشد خریدار می تواند قسمتی از ثمن را (بر اساس نظر متخصص) استرداد کرده یا قرارداد را فسخ و کل ثمن را مسترد کند". همچنین قانون آلمان مقرر کرده که "اگر کالای تحویل شده دارای عیبی باشد که استفاده معمول و یا استفاده منظوره در قرارداد را کاهش دهد، خریدار می تواند معامله را فسخ یا براساس فرمول ارائه شده، ثمن را کاهش دهد". لذا تاریخچه راهکار تقلیل ثمن، بیانگر شروع این قاعده از حقوق رم و گسترش آن به عنوان روشی مکمل برای جبران خسارت در حقوق سایر کشورهاست.

برخی از سیستم های حقوقی نیز، شیوه ای مشابه با تقلیل ثمن را در مواجهه با نقص کمی در ارسال کالا را پیشنهاد می کنند. این نظریه مربوط به حالتی است که تعهد قراردادی از جهت کمیت ناقص اجرا شده<sup>۲</sup> و بنابراین اگر ثمن معامله پرداخت نشده باشد در اینجا خریدار می تواند با

1. See Ré pertoire de Droit Civil (Dalloz, 1976) vol. 7, Vente (obligations du vendeur) paras. 459-573 (hereafter "Ré pertoire"). Although the buyer has the option to rescind the contract, case law has established that the courts may, at their discretion, reduce the price (la ré fraction de la vente) if the difference in quality does not surpass that recognized by usage and does not make the goods unfit for their contract use (see Ré pertoire, para. 31). See also Kahn, La vente commerciale internationale 148-155 (1961).

2. See Daniels, "The German Law of Sales," 6 Am. J. Comp. L. 489-495 (1957); Zweigert, "Aspects of the German Law of Sale," Int. and Comp. L.Q., Supp. Pub. No. 9 (1964) at 2-4; Amaudruz, supra n. 4 at 132-133; Rabel, "The Hague Conference on the Unification of Sales Law," 1 Am. J. Comp. L. 66 (1952) noted that the "old action, quanti minoris, for reduction of the price is presented in its best form under ?relative calculation?."

3. See Amaudruz, supra n. 4 at 38-40. The distinction becomes ill-defined in the operation of these rules in particular legal systems. E.g., in principle in French Law if the seller delivers only a portion of the goods art. 1184 and 1220 of the Civil Code would indicate the right to rescind the contract and claim damages. However case law has clearly established that it is for the trial judge (juge de fond) to decide whether to

→

استناد به *exception non adimpleti contractus* قسمتی از ثمن معامله را نزد خود نگه دارد.<sup>۱</sup> در نهایت همانطور که می بینیم، قاعده تقلیل ثمن از گذشته ای دور سرچشمه گرفته و امروزه علاوه بر جریان در عرف های تجاری، بخشی از متون قانونی داخلی و بین المللی کشورها را به خود اختصاص داده است.<sup>۲</sup> هر چند در وهله ای از زمان به دلیل عدم اندراج این قاعده در حقوق داخلی کشورهای کامن لا، حذف آن مطرح گردیده بود اما به دلیل تلاش نمایندگان کشورهای رومی-ژرمنی، در نهایت این قاعده کماکان به قوت خویش باقی ماند. (صفایی، دکتر سیدحسین، کاظمی، محمود، عادل، مرتضی، میرزائزاد، اکبر، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸)

### ۳. قلمرو تقلیل ثمن

با توجه به متن ماده ۵۰ کنوانسیون، تقلیل ثمن در جایی کاربردی می یابد که کالای ارائه شده، منطبق

→ permit avoidance or to simply reduce the price, if the missing quantity is not essential (Re pertoire, paras. 162-163). For a comparative analysis of the situation in French and German law see Treitel, "Remedies for Breach of Contract," in VII Int. Encyc. Comp. L. Ch. 16, para. 175 (1976).

1. See Weill and Terrè, Droit Civil, les obligations, paras. 465-477 (2nd ed., 1975). The authors note that the French Civil Code, unlike the German, does not contain a general provision setting out this principle but merely contains provisions which are specific applications of it. Case law has however extended the principle to all bilateral contracts (paras. 470-473). As the exception reflects the idea that obligations in bilateral contracts must be performed reciprocally, it operates as a temporary form of self-help which does not require judicial intervention. Partial avoidance of the contract would require judicial intervention (paras. 475-6).

۲. در فقه امامیه و حقوق ایران، هرچند نهادی تحت عنوان تقلیل ثمن به صراحت پیش بینی و قانونگذاری نشده است ولی می توان مطالبه ارش در خیار عیب (ماده ۴۲۲ قانون مدنی) و استرداد بخشی از ثمن در خیار تبعض صفقه (ماده ۴۴۱ قانون مدنی) را از مصادیق تقلیل ثمن دانست. البته باید توجه داشت که تفاوتی فی مابین مصادیق تقلیل ثمن ایرانی و تقلیل ثمن مندرج در کنوانسیون وجود دارد. برای مطالعه در این خصوص رجوع کنید به: اسکینی، دکتر ربیعا، جعفریان، علیرضا، بررسی ارش در حقوق ایران و فقه امامیه و تفاوت آن با تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین المللی، مجله معارف اسلامی و حقوق، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۸۹، صص ۴۵-۷۰ همچنین؛ باریکلو، دکتر علیرضا، بیگ زاده، صفر، اختیار تقلیل ثمن، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۳، پاییز ۹۰، صص ۷۴-۵۷

با قرارداد نباشد. حال برای تعیین موارد انطباق باید به مواد ۳۵ و ۳۶ کنوانسیون مراجعه کنیم. ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: «۱- بایع باید کالایی را تسلیم نماید که: دارای مقدار و کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است بسته بندی یا ظرف بندی گردیده باشد. ۲- جز در مواردی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی‌شود، مگر اینکه:

الف) متناسب با مقاصدی باشد که عرفا کالاهایی با همان اوصاف برای مقاصد مزبور، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛

ب) متناسب با هر نوع مقصود خاصی باشد که به نحو صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسیده، مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که مشتری به مهارت و تشخیص بایع اعتماد نکرده یا اعتماد او به مهارت و تشخیص بایع، غیر معقول بوده است؛

ج) واجد اوصاف کالایی باشد که بایع به عنوان مسطوره یا نمونه به مشتری ارائه نموده است؛  
د) به ترتیب متعارف جهت این قبیل کالاها، یا در صورتی که ترتیب متعارفی موجود نباشد، به نحوی که بقا و سلامت کالا تامین شود در ظرف گنجانده یا بسته بندی شده باشد...». لذا همانطور که می‌بینیم ماده ۳۵ دقیقاً موارد انطباق کالا را ذکر کرده به نحوی که عدم رعایت آن منجر به تسلیمی غیر منطبق (موضوع ماده ۵۰) می‌گردد.

ماده ۳۶ نیز دایره مسئولیت بایع را تا شعاع اثر سببی که در حوزه مسئولیت او وجود داشته گسترش داده است. لذا اگر عدم انطباق کالا پس از تسلیم نیز به سببی برگردد که قبل از انتقال ضمان وجود داشته، باز بایع مسئولیت دارد.<sup>۱</sup>

لذا با ترکیب مواد ۳۵ و ۳۶ تا حدود زیادی حوزه قلمرو تقلیل ثمن مشخص می‌شود. حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا علاوه بر عدم مطابقت مادی کالا وفق مواد

۱. ماده ۳۶: «۱- فروشنده بر طبق قرارداد و این کنوانسیون مسئول هر گونه عدم مطابقت کالا است که در زمان انتقال ضمان معاوضی به خریدار وجود دارد ولو اینکه عدم انطباق پس از آن زمان ظاهر شود. ۲- فروشنده همچنین مسئول رخدادهای هر گونه فقدان مطابقت بعد از زمان مذکور در پاراگراف بالا و عدم انطباق ناشی از نقض هر یک از وظایفش می‌باشد، از جمله او مسئول است برای نقض هر گونه ضمانت دایره بر اینکه کالا برای یک دوره، مناسب با اهداف معمولی یا برخی اهداف ویژه باقی می‌ماند یا کیفیت یا ویژگیهای خاصی را در خود حفظ می‌کند.»

۳۵ به بعد ، مواردی همچون تاخیر در ارسال کالا ، عدم تسلیم اسناد در زمان و مکان مقرر ( مواد ۳۴-۲۶ ) ، ادعای ثالث ( مواد ۴۲-۴۱ ) یا هر نقض تعهد دیگر از سوی بایع ( غیر از تعهد مطابقت کالا ماده ۳۰ ) نیز در حوزه شمول ماده ۵۰ قرار می گیرد یا خیر؟

در این زمینه مباحث زیادی توسط مفسرین کنوانسیون انجام گرفته است. در کنفرانس دیپلماتیک نروژ ، پیشنهاد شد که ادعای ثالث نیز در حوزه تقلیل ثمن قرار گیرد. این پیشنهاد مورد مخالفت دیگر اعضا قرار گرفت و در نهایت کنفرانس نروژ آن را رد کرد.<sup>۱</sup>

مدتی بعد ماده ۴۴ با حالتی بینابین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در واقع موضوع این بود که ممکن است این شائبه ایجاد شود که ماده ۴۴ اجازه ورود سایر خسارات را به حوزه ماده ۵۰ می دهد زیرا در غیر اینصورت چه معنی دارد که اجازه این طریقه جبران خسارت فقط در موارد استثنایی داده شود یعنی هنگامی که خریدار در ظرف مدت معقولی موفق به دادن اخطار نشده و برای این کار نیز عذر معقولی می آورد. ( جمعی از نویسندگان ، همان ، ص ۲۲۳ )

با این وجود می بایست توجه داشت که:

اولا هیچگاه در تاریخچه تصویب ماده ۴۴ ، این امر مد نظر نبوده که این ماده به عنوان اصلاحی برای ماده ۵۰ باشد ثانيا؛ بحث و بررسی های مربوط به رد پیشنهاد ورود سایر خسارات به حوزه ماده ۵۰ ، به قدری قوی بوده که قلمرو این ماده را به سختی مضیق نموده است. پروفیسور schlechtriem نیز در تحلیل خود ، ضمن تایید مطالب فوق بیان می کند تصمیمی در خصوص ورود دعاوی ثالث ، دعاوی مربوط به مالکیت معنوی و صنعتی مبیع ، توسط کنوانسیون اتخاذ

1. The provision on price reduction was then draft Article 46. The proposal: O.R. 118, Docy. Hist. 690; the discussion: O.R. 360-361, Docy. Hist. 581-582. The Norwegian sponsor said he withdrew the proposal "on the understanding that it would be up to the courts to decide whether and to what extent" the price reduction provision would apply to third-party claims. No weight should be given to such a statement by an individual delegate in the absence of evidence that the Conference agreed to such an "understanding". See Lord Diplock's properly skeptical response to such an "understanding" at §91 supra

2. The significance of this provision was noted by Will, B-B Commentary, 375-376.

نشده و اگر هم در این خصوص بخواهیم به استناد اطلاق و فحوای ماده ۵۰ عمل کنیم باید توجه نماییم که فرمول کاهش ثمن در چنین مواردی مطمئناً نیاز به کنکاش و پیچیدگی خاصی دارد. امری که هیچگاه در کنوانسیون بررسی نشده است.<sup>۱</sup>

رویه کنونی دادگاه های جهان متمایل به سمت تفسیر مضیق ماده ۵۰ کنوانسیون است<sup>۲</sup> و برخلاف نظر برخی از حقوقدانان، به نظر می رسد از مجموع مواد ۴۲ و ۴۳ کنوانسیون نیز نتوان تحقق ضمانت اجرای تقلیل ثمن به دلیل وجود حق یا ادعای شخص ثالث نسبت به کالا را برای خریدار استنباط و استفاده کرد. (اصغری آقمشهدی، دکتر فخرالدین، ۱۳۹۰، ص ۳۱)

#### ۴. شرایط استفاده از ثمن تقلیل

استفاده از تقلیل ثمن به طور کلی نیازمند تحقق ۴ شرط است:

۱- عدم مطابقت کالای ارائه شده با کالای موصوف در قرارداد

۲- ارسال اخطاریه

۳- عدم تلاش بایع در جهت رفع مشکل یا عدم ممانعت خریدار

۴- عدم آگاهی خریدار از عدم مطابقت کالا.

در ذیل هر یک از این شروط را به صورت موردی بررسی می کنیم.

#### ۴-۱- عدم مطابقت کالای ارائه شده

اولین شرط و اصلی ترین شرط در بحث ضمانت اجرای مندرج در ماده ۵۰، تحقق عدم مطابقت کالا در اوصاف مذکور در ماده ۳۵ کنوانسیون است. این ماده هم عدم تطبیق کیفی و هم عدم تطبیق کمی را دربرمی گیرد. (اسکینی، دکتر ربیعا، جعفریان، علیرضا، همان، ص ۶۶)

1. See A/Conf. 97/C.1/SR.23 at 9-10 (= O.R. 359 et seq.) (discussion on defects in title). Uniform Sales Law - The UN-Convention on Contracts for the International Sale of Goods. Prof. Dr. Peter Schlechtriem. (page 79)

2. Landgericht Düsseldorf, Germany, 5 March 1996, Unilex.

سایر موارد عدم انطباق اعم از طرح دعاوی مالکیتی یا صنعتی نسبت به کالا، پیش از این توضیح داده شد. براین اساس باید اذعان داشت که عدم انطباق کالای ارائه شده منحصر به عدم مطابقت مادی و فیزیکی کالا است و عدم مطابقت حقوقی که در تقسیم بندی حقوقدانان (عبدی پور، دکتر ابراهیم، پرتو، دکتر حمیدرضا، ۹۱، ص ۲۱۵)

به عنوان یکی از اقسام عدم مطابقت به طور کلی قرار گرفته است، اختیار تقلیل ثمن را برای خریدار به همراه ندارد. اما نکته ای که در اینجا باید خاطر نشان شود این است که عدم مطابقت کالا در ماده ۵۰ هم شامل نقض های ساده و هم نقض های اساسی می شود<sup>۱</sup>. لذا ضمانت اجرای نقض های اساسی، منحصر به فسخ قرارداد نیست و بنا بر فحوای ماده ۴۵ کنوانسیون، خریدار می تواند به تقلیل ثمن نیز استناد کند.

#### ۴-۲- ارسال اخطاریه :

یکی از اساسی ترین شروطی که در قراردادهای تجاری بین المللی گنجانده شده و در متون قانونی مربوط به این قراردادها نیز مورد اشاره قرار می گیرد، بحث ارسال اخطاریه است. ارسال اخطاریه راهکاری برای حمایت حداقلی از طرف آسیب زنده است تا از این طریق فرد بتواند در راستای حفظ حقوق نقض شده ماقبل خویش اقدام نماید. کنوانسیون وین در سال ۱۹۸۰ نیز چنین امری را پیش بینی نموده و در قسمت های مختلف به لزوم ارسال اخطاریه اشاره کرده است. درموضوع بحث ما یعنی تقلیل ثمن، بحث ارسال اخطاریه به شکل قاعده ای در قسمت مربوط به مطابقت مادی یا حقوقی اشاره شده است به این صورت که در ماده ۳۹ به لزوم ارسال اخطاریه در بحث عدم مطابقت مادی و در ماده ۴۳ به لزوم این امر در عدم مطابقت حقوقی اشاره شده و در نهایت در ماده ۴۴ نیز آمده است که اگر به دلیل وجود عذر موجه متضرر نتوانست در مهلت مقرر اقدام به ارسال اخطاریه نماید، همچنان می تواند از میان ضمانت اجراها، به تقلیل

1. See Official Records of the United Nations Conference on Contracts for the International Sale of Goods, Vienna, 10 March-11 April 1980 (United Nations publication, Sales No. E.81.IV.3), 42, paragraph 5.

ثمن یا مطالبه خسارت متوسل شود. این شرط (شرط اقدام در مهلت قانونی) شبیه شرط اعمال حق فسخ در حقوق ایران می باشد. (اسکینی، دکتر ربیعا، همان، ص ۶۶) لذا ارسال اخطاریه یکی از پیش شرط های اساسی استناد به تقلیل ثمن بوده<sup>۱</sup> و بدون آن، خریدار نمی تواند از این راهکار استفاده کند.<sup>۲</sup>

۳-۴- عدم تلاش بایع برای جبران خسارت، یا عدم ممانعت خریدار از جبران بایع شرط دیگری که در ماده ۵۰ به آن اشاره شده، مجموع دو تکلیف مرتبط است که با مواد ۳۷ یا ۴۹ کنوانسیون پیوند می خورد، شرط اول وجوبی و شرط دوم سلبی است و جمع این دو کنار هم، زمینه را برای اعمال ماده ۵۰ مهیا می کند. توضیح اینکه به استناد مواد فوق، بایع می تواند نسبت به رفع عیوب و موارد عدم انطباق اقدام نماید. به نحوی که اگر در مرحله اول بایع خود اقدام به رفع این عیوب و نقض ها نماید، دیگر اختیاری برای خریدار در جهت اعمال تقلیل ثمن باقی نمی ماند. این حکم تقریبا مشابه وضعیتی است که برای موجر در حقوق ایران نسبت به عیب مورد اجاره، مقرر شده است به نحوی که اگر موجر رفع عیب از مورد اجاره نماید، اختیار فسخ

1. CLOUT case No. 56 [Canton of Ticino Pretore di Locarno Campagna, Switzerland, 27 April 1992]; CLOUT case No. 432 [Landgericht Stendal, Germany, 12 October 2000]; CLOUT case No. 487 [Tribunal Provincial de Barcelona, seccion 4, Spain, 12 September 2001]; CLOUT case No. 721 [Oberlandesgericht Karlsruhe, Germany, 8 February 2006]; CLOUT case No. 724 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 14 December 2006]. See also CLOUT case No. 958 [Federal Court of Australia, Australia, 24 October 2008] (obiter dicta).

2. CLOUT case No. 48 [Oberlandesgericht Düsseldorf, Germany, 8 January 1993]; CLOUT case No. 273 [Oberlandesgericht München, Germany, 9 July 1997]; CLOUT case No. 303 [Arbitration Court of the International Chamber of Commerce, 1994 (Arbitral award No. 7331)]; CLOUT case No. 343 [Landgericht Darmstadt, Germany, 9 May 2000] (see full text of the decision); CLOUT case No. 397 [Audiencia Provincial de Pamplona, seccion 3, Spain, 27 March 2000]; CLOUT case No. 800 [Tribunal Supremo, seccion 1a, Spain, 16 May 2007].

معامله از مشتری سلب می شود.<sup>۱</sup> توجه به قسمت اخیر ماده ۵۰ کنوانسیون و سایر مواد مرتبط نشان می دهد که رفع قصور از سوی فروشنده بر هر راه جبرانی دیگر ترجیح دارد و پذیرش رفع قصور توسط بایع، معقول تر از آن است که فروشنده به دریافت ثمن کمتر اجبار شود و بدین ترتیب نظر غایی کنوانسیون در حفظ قرارداد تا حد ممکن تامین شود. (باریکلو، دکتر علیرضا، بیگ زاده، صفر، همان، ص ۶۵)

اما شرط دوم که حالتی سلبی دارد مربوط به خریدار است. این بحث توسط آقای گلینگوپورن (نماینده جمهوری فدرال آلمان) به همراه هیئت نمایندگی اش مطرح گردید و در نهایت نیز مورد تصویب قرار گرفت. به موجب قسمت انتهایی ماده ۵۰ کنوانسیون، مشتری حق ممانعت از بایع در جهت رفع عیوب را ندارد و اگر در این زمینه ممانعتی به عمل آورد، از حق تقلیل ثمن محروم خواهد شد. لذا ممانعت خریدار در این فرض چهره اقدام به خود گرفته و او را از حق مندرج در ماده ۵۰ محروم می نماید.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴- جهل مشتری نسبت به عدم مطابقت کالا

چهارمین شرط تحقق ضمانت اجرای تقلیل ثمن برای خریدار، عدم آگاهی و جهل او نسبت به عدم تطابق کالا است. بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون در این خصوص مقرر می دارد: «هرگاه خریدار در زمان انعقاد قرارداد از عدم مطابقت کالا با قرارداد آگاه بوده یا نمی توانسته، ناآگاه باشد، فروشنده نسبت به هر نوع عدم انطباق کالا مسئولیتی طبق بندهای الف تا د پاراگراف پیشین را نخواهد داشت.<sup>۳</sup>»

۱. ماده ۴۷۸ قانون مدنی ایران: «هرگاه معلوم شود عین مستاجر در حال اجاره معیوب بوده مستاجر می تواند اجاره را فسخ کند یا به همان نحوی که بوده است اجاره را با تمام اجرت قبول کند ولی اگر موجر رفع عیب کند به نحوی که به مستاجر ضرری نرسد مستاجر حق فسخ ندارد.»

2. CLOUT case No. 282 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 31 January 1997].

3. The seller is not liable under subparagraphs (a) to (d) of the preceding paragraph for any lack of conformity of the goods if at the time of the conclusion of the contract the buyer knew or could not have been unaware of such lack of conformity.

در پایان لازم است مختصراً به نکاتی که در حوزه شروط تقلیل ثمن وجود دارد اشاره شود: کاهش ثمن یکی از روش های جبران خسارت است و امکان کاربرد آن در عرض روش های دیگر مثل درخواست اجرا و مطالبه خسارت وجود دارد. لذا با توجه به متناوب بودن شیوه های جبران خسارت، خریدار آزاد به اختیار روشی از میان آنهاست<sup>۱</sup> و بعضاً نیز امکان جمع میان این روش ها وجود دارد.<sup>۲</sup>

اعمال تقلیل ثمن برخلاف بند ۲ ماده ۴۹ کنوانسیون منوط به حوزه خاصی نیست، لذا حتی اگر مدت زمان متعارف مذکور در ماده فوق نیز منقضی شده باشد، کماکان امکان اعمال تقلیل ثمن از سوی مشتری وجود خواهد داشت.<sup>۳</sup>

مفاد ماده ۵۰ کنوانسیون عمدتاً در دو مورد اجرا می شود؛ زمانی که کالای معیوب ارائه شده مورد قبول خریدار قرار گرفته شده باشد و یا اینکه عیب وارده بر کالا در خارج از حوزه مسئولیت بایع باشد همچون وقوع فورس ماژور.

## ۵. فرمول استفاده از تقلیل ثمن

فرمولی که برای تقلیل ثمن به کار می رود فرمول تناسب است، یعنی به همان نسبتی که کالای ارائه شده تفاوت ارزش پیدا کرده، باید به همان اندازه، از مقدار ثمن کاست. لذا در این موارد نیاز است ابتدا سطح کالای موضوع قرارداد و کالای ارائه شده را سنجید و از تفاوت آن برای تعیین میزان تقلیل ثمن استفاده کرد. برای مثال اگر در موردی، کیفیت کالای ارائه شده به کالای

1. CLOUT case No. 724 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 14 December 2006].

2. CLOUT case No. 724 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 14 December 2006]; CLOUT case No. 938 [Kantonsgericht des Kantons Zug, Switzerland, 30 August 2007].

3. See CLOUT case No. 935 [Handelsgericht des Kantons Zürich, Switzerland, 25 June 2007]; CLOUT case No. 938 [Kantonsgericht des Kantons Zug, Switzerland, 30 August 2007].

قراردادی نزول پیدا کرد، مطابق با آن، در مقابل نیز باید تنها از ثمن قراردادی را پرداخت نمود.) همان

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که برای سنجش ارزش کالا باید به زمان و مکان تحویل نیز توجه نمود و چنین وانمود کرد که اگر خریدار بخواهد در چنان شرایطی کالا را بفروشد چقدر می تواند ثمن اخذ کند<sup>۱</sup>. در رویه دادگاه ها پیش بینی شده که در جایی که کالای ارائه شده هیچ ارزشی ندارد، خریدار می تواند ثمن را تا صفر تقلیل دهد.<sup>۲</sup>

همچنین طرفین می توانند با توافق هم از معیاری خاص برای تعیین میزان ثمن تقلیلی استفاده کنند. برای مثال روش تعیین را همانند آنچه که در قبل گفته شد، بر مبنای مقدار ثمنی که خریدار از ماحصل فروش کالای حاضر عایدش می شود قرار داده و مقدار ثمن تقلیلی را محاسبه کند.<sup>۳</sup> گاهی نیز می توان از نظر متخصصان در زمینه محاسبه میزان ثمن تقلیلی استفاده کرد.<sup>۴</sup> (پیرهادی، دکتر محمدرضا، مرادی، دکتر صادق، پیرهادی، دکتر محمود، بهار ۹۰، ص ۴۲)

1. CLOUT case No. 56 [Canton of Ticino Pretore di Locarno Campagna, Switzerland, 27 April 1992]; CLOUT case No. 175 [OberlandesgerichtGraz, Austria, 9 November 1995] (see full text of the decision). See also CLOUT case No. 1018 [Hof van Beroep Antwerpen, Belgium, 4 November 1998].

2. Supreme Court of Western Australia, Australia, 17 January 2003 (Ginza Pte. Ltd. v. Vista Corporation Pty. Ltd.), available on the Internet at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/030117a2.html>; CLOUT case No. 724 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 14 December 2006]; CLOUT case No. 747 [Oberster Gerichtshof, Austria, 23 May 2005]; CLOUT case No. 774 [Bundesgerichtshof, Germany, 2 March 2005]; CLOUT case No. 825 [Oberlandesgericht Kln, Germany, 14 August 2006]; CLOUT case No. 938 [Kantonsgericht des Kantons Zug, Switzerland, 30 August 2007].

3. CLOUT case No. 825 [Oberlandesgericht Kln, Germany, 14 August 2006].

4. Tribunal of International Commercial Arbitration at the Russian Federation Chamber of Commerce and Industry, Russian Federation, 27 April 2005, CISG-online No. 1500.

## ۶. رابطه تقلیل ثمن و مطالبه خسارت

یکی از مسایلی که در حوزه تقلیل ثمن شبهه انگیز است، اختلاط این بحث با بحث مطالبه خسارت مذکور در ماده ۷۴ است. این ماده مقرر می‌دارد: "خسارت ناشی از نقض قرارداد به وسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی در برابر زیان، از جمله عدم النفعی که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است. این خسارت نمی‌تواند از مقدار زیانی که نقض کننده، در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیات و موضوعاتی که در همان موقع بدان‌ها واقف بوده یا می‌یابد واقف می‌بوده، به عنوان اثر ممکن الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده یا می‌باید پیش‌بینی می‌کرده است، متجاوز باشد."

اختلاف اصلی این است که آیا با استناد به ماده ۵۰، دیگر جایی برای استناد به ماده ۷۴ باقی می‌ماند یا خیر، با توجه به اینکه هر دو مواد در مورد خسارات است.

در رابطه ماده ۵۰ و ماده ۷۴ باید گفت که آنچه مورد اختلاف است این است که خسارت محاسبه شده بر طبق این دو ماده در نهایت می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. همچنین وجود عوامل رافعه مذکور در ماده ۷۹، برخلاف ماده ۵۰، بر میزان خسارات مندرج در ماده ۷۴ موثر است.

نتیجه نهایی که در تفاوت میان مواد ۵۰ و ۷۴ کنوانسیون می‌توان گرفت این است که:

۱- محاسبه خسارات با توجه به زمان ارسال انجام می‌شود اما محاسبه میزان تقلیل ثمن با توجه به زمان انعقاد قرارداد انجام می‌شود.<sup>۱</sup>

۲- خسارات با توجه به میزانی که برای جبران ضرر خریدار لازم است محاسبه می‌شوند اما تقلیل ثمن تنها بر اساس تناسب میان دو ارزش کالای قراردادی و کالای ارائه شده در زمان تحویل سنجیده می‌شود. همچنین اگر از زمان عقد تا ارسال قیمت کالا تغییر نکند، با توجه به

1. Art. 70, which sets out the formula for measurement of damages where the contract has not been avoided, does not specify the date as of when damages are to be measured. However, for the purposes of comparing damages with reduction of price, it is sufficient to state that the damages are measured as of the time of delivery. Cf. UCC 2-714(2), "time and place of acceptance" and United Kingdom, Sale of Goods Act, s. 53(3), "time of delivery."

سهولت شیوه تقلیل ثمن استفاده از این روش بهتر خواهد بود اما اگر در این فاصله زمانی قیمت کالاها تغییر کند، با توجه به اینکه در روش مطالبه خسارت، خسارتها نه بر اساس تناسب بلکه بر اساس ارزش کالا در زمان تحویل سنجیده می شوند، لذا در صورت زیان بیشتر، بهتر است خریدار از این شیوه استفاده کند.<sup>۱</sup>

همچنین ماده دیگری که در رابطه با مواد ۵۰ و ۷۴ تولید بحث می کند، ماده ۴۵ و جواز استناد به هر دو ماده ۵۰ و ۷۴ در بحث خسارات است. ماده ۴۵ در مورد شیوه های جبران خسارت صحبت می کند. در واقع این ماده نشان می دهد که امکان جمع میان مواد ۵۰ و ۷۴ در زمینه جبران خسارت وجود دارد.<sup>۲</sup> همچنین با توجه به بندهای مختلف ماده ۴۵، امکان جمع ماده ۵۰ با شیوه های دیگر نیز وجود خواهد داشت. اما نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که ماده ۴۵ در کنار این انعطاف خود، به هیچ وجه اجازه جبران مضاعف برای یک ضرر را نمی دهد. یکی از راه هایی هم که پیش بینی شده، این است که اگر ضرر ناچیز بود بهتر است از ماده ۵۰ و اگر ضرر زیاد بود از ماده ۷۴ استفاده کنیم. (صفایی، دکتر سیدحسین، همان، ص ۱۷۲)

ماده ۵۰ کنوانسیون بعضا نسبت به ماده ۷۹ محل بحث قرار می گیرد. ماده ۷۹ به بررسی موارد معافیت بایع از حمله وقوع قوه قاهره می پردازد. از این جهت این بحث مطرح می شود که آیا وجود چنین عامل رافعه ای در ماده ۵۰ نیز تاثیرگذار است؟

پاسخ منفی است در واقع تقلیل ثمن در انواع نقض و عیوب اعم از نقضی که از روی سهو بوده یا عمد، بر اثر فورس ماژور بوده یا خیر... جاری می شود و لذا هر چند که جبران خسارت بر طبق ماده ۷۹ مستثنی شده باشد، باز امکان تقلیل ثمن وجود دارد. اگر بخواهیم با مبانی حقوق ایران به این مسئله نگاه کنیم نیز باید بگوئیم که پذیرش امری خلاف این، مستلزم دارا شدن

1. Amaudruz, supra n.4 at 132. See also Draft of a Uniform Law on International Sale of Goods (Corporeal movables) and Report, U.P.L. 1939 -- Draft I(2) (UNIDROIT, 1951) at 80, hereafter, "1939 UNIDROIT Report.

[http://www.jus.uio.no/pace/remedy\\_of\\_reduction\\_of\\_price\\_cisg.eric\\_e\\_bergsten.and.anthony\\_j\\_miller/\\_1.html](http://www.jus.uio.no/pace/remedy_of_reduction_of_price_cisg.eric_e_bergsten.and.anthony_j_miller/_1.html)

2. See CLOUT case No. 935 [Handelsgericht des Kantons Zürich, Switzerland, 25 June 2007]; CLOUT case No. 938 [Kantonsgericht des Kantons Zug, Switzerland, 30 August 2007].

ناعادلانه بايع خواهد بود.

بحث آخر در حوزه ارتباط تخليل ثمن و مطالبه خسارات اين است که، بنا بر قسمت دوم ماده ۵۰ اگر خريدار مانع از اقدامات ترميمي بايع شود، مستحق تخليل ثمن نخواهد بود. بايد توجه داشت که اين ماده در ارتباط مستقيم با ماده ۷۷ در حوزه مطالبه خسارات است.<sup>۱</sup> چنانکه ماده ۷۷ نيز مقرر می کند: طرفی که زیان دیده مکلف است اقدامات متعارف را در جهت کاهش زیان معمول دارد در غير اين صورت به اندازه تقصير خود، محق نخواهد بود. همانطور که می بینیم قاعده تخليل خسارت مندرج در ماده ۷۷ کنوانسيون در ارتباط مستقيم با قسمت دوم ماده ۵۰ است به نحوی که گویا ماده ۵۰ بازگوکننده قاعده تخليل خسارت است.

## نتیجه گیری

در اين مقاله تخليل ثمن به عنوان راهکاری پيش بينی شده در کنوانسيون بيع بين المللی کالا در جهت حمايت از خريدار بررسی شد. تا جای امکان سعی شد رویه های دادگاهی مربوط به مباحث نيز ارائه گردد تا هرچه بهتر جایگاه اين شیوه در عمل مشخص شود. به هر طریق اين نتیجه حاصل شد که کنوانسيون بيع بين المللی کالا، درکنار پيش بينی تخليل ثمن در عرض ساير شیوه های جبران خسارات، امتیاز و استواری خاصی به آن داده است که در ذیل مواردی از آن بيان می گردد:

۱- استفاده از تخليل ثمن برخلاف جبران خسارت، منوط به تحقق مسئولیت فروشنده نیست. در واقع وجود شرایط معافیت بايع از مسئولیت (ماده ۷۹) ملازمه با عدم تحقق اختیار تخليل ثمن خريدار ندارد. زیرا مبنای اصلی تخليل ثمن قاعده دارا شدن نا عادلانه است و نه جبران خسارت.

۲- تخليل ثمن منحصر به موردی است که کالا از نظر مادی غير منطبق با قرارداد باشد اعم از اينکه عدم مطابقت کیفی باشد یا کمی.

۳- تخليل ثمن همیشه از نفس و جنس ثمن صورتی می گیرد و همانطور که صدر ماده ۵۰ کنوانسيون اشاره داشته است، تادیه قبلی یا عدم تادیه ثمن، نقشی در اعمال اين حق ندارد.

۴- در محاسبه میزان ثمن تخليلی، هم قیمت قراردادی و هم قیمت واقعی کالا در زمان تسلیم

1. Ibid

در نظر گرفته می شود. بدین صورت که حسب نسبتی که کالای منطبق در زمان تسلیم می داشت و قیمت کالای نامنطقی که عملاً تسلیم شده، از ثمن قراردادی کاسته می شود.

۵- استفاده از تقلیل ثمن باعث می شود که قرارداد از خطر انحلال یکجانبه نجات یابد. با این وجود کنوانسیون به این امر بسنده نکرده و در قسمت اخیر ماده ۵۰ این فرصت را برای فروشنده قائل شده تا عدم مطابقت کالا را بر طرف کند و بدین ترتیب مانع خریدار در اعمال حق تقلیل ثمن شود.

## منابع و ماخذ

- ۱- اسکینی، دکتر ربیعا، جعفریان، علیرضا، بررسی ارش در حقوق ایران و فقه امامیه و تفاوت آن با تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین المللی، مجله معارف اسلامی و حقوق، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۸۹
  - ۲- اصغری آقمشهدی، دکتر فخرالدین، مطابقت حقوقی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران؛ کتاب حقوق مدنی تطبیقی به قلم گروهی از مولفان، انتشارات سمت، چاپ چهارم، سال ۹۰
  - ۳- باریکلو، دکتر علیرضا، بیگ زاده، صفر، اختیار تقلیل ثمن، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۳، پاییز ۹۰
  - ۴- پیرهادی، دکتر محمدرضا، مرادی، دکتر صادق، پیرهادی، دکتر محمود، تقلیل ثمن و روش کارشناسی آن در قانون مدنی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین، مجله تحقیقات حقوقی آزاد فصلنامه دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، شماره ۱۱، بهار ۹۰
  - ۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هفدهم، سال ۸۶
  - ۶- جمعی از نویسندگان، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، ترجمه دکتر مهربان داراب پور، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۹۱
  - ۷- صفایی، دکتر سیدحسین، کاظمی، محمود، عادل، مرتضی، میرزائزاد، اکبر، حقوق بیع بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، سال ۹۰
  - ۸- عبدی پور، دکتر ابراهیم، پرتو، دکتر حمیدرضا، بحثی در عدم مطابقت حقوقی کالا و ضمانت اجراهای آن، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۹۱
- 9-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/schlechtriem.html>
- 10-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/honnold.html>
- 11-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/chengwei.html>

- 12-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/shin.html>
- 13-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/enderlein.html>
- 14-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/bergsten.html>
- 15-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/enderlein.html>
- 16-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/piliounis.html>
- 17-<http://www.step toe.com/assets/attachments/1071.pdf>
- 18-<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/articles/english.html10>
- 19- <http://www.uncitral.org/pdf/english/CISG25/Shin.pdf>
- 20-<http://www.uncitral.org/pdf/english/CISG25/Koziol.pdf>
- 21-<http://www.uncitral.org/pdf/english/clout/digest2008/article077.pdf>
- 22-[http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral\\_texts/sale\\_goods/1980CISG\\_VIAC.htm](http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/sale_goods/1980CISG_VIAC.htm)
- 23-[http://www.uncitral.org/pdf/english/yearbooks/yb-1992-e/yb\\_1992\\_e.pdf](http://www.uncitral.org/pdf/english/yearbooks/yb-1992-e/yb_1992_e.pdf)
- 24-[http://www.uncitral.org/pdf/english/workinggroups/wg\\_isg\\_2/acn9\\_wg2\\_wp19\\_e.pdf](http://www.uncitral.org/pdf/english/workinggroups/wg_isg_2/acn9_wg2_wp19_e.pdf)
- 25-<http://www.uncitral.org/pdf/english/clout/digest2008/article050>